گفت‌وگوی چالشی «فرهیختگان» با علی سرتیپی سینمادار، پخش کننده و تهیه کننده سینما:

منشا پول سرمایه‌گذار فیلم؟ به ما ربطی ندارد

مجتبی اردشیری
روزنامه‌نگار

علی سرتیپی؛ مهره مهم حداقل یک دهه اخیر سینمای ایران. فردی که در عین تجربه کردن تهیه کنندگی، بزرگ‌ترین دفتر پخش ایران را هم دارد که چند سالی است رکورد فروش بیشترین تعداد بلیت را در این سینما از آن خود کرده است. علاوه‌بر تولید و پخش، او یک سینمادار بزرگ نیز هست. پردیس کورش به‌عنوان بزرگ‌ترین مجموعه سینمایی کشور که با اختلاف، بیشترین میزان فروش سینمای ایران در آنجا اتفاق می‌افتد، تحت‌مدیریت اوست؛ پردیسی که عنوان پرمخاطب‌ترین پردیس سینمایی جهان را نیز با خود یدک می‌کشد. ضمن اینکه مدیریت چند پردیس کم‌برخوردارتر را نیز در دست دارد و البته کارهای ساخت پردیس «لوتوس مال» با ۱۶ سالن را در نازی‌آباد تقریبا به پایان رسانده است. این تمام حرفه سرتیپی نیست. او طی این سال‌ها، به شکلی جدی به حوزه سرمایه‌گذاری در آثار سینمایی وارد شده و چندین فیلم تولید کرده است. تمام این پارامترها سبب شد دامنه توجهات و البته حساسیت‌ها به او و فعالیت‌هایش خیلی بالا بگیرد. تا جایی که از او به‌عنوان «مافیا»ی سینمای ایران نام برده شد؛ مافیایی که حاشیه امن مناسبی برای دوستان و وضعیت ناامنی برای مخالفان او شکل داده است. برای تشریح وضعیت روز سینمای ایران و موضوعات متعدد آن، سرتیپی یکی از بهترین گزینه‌ها بود. او با وجود مشغله‌های فراوان، دعوت ما را پذیرفت، روبه‌روی‌مان نشست و با نقب‌هایی به سینمای جهان، از سینمای ایران گفت. پیشنهاد می‌کنیم مطالعه این گفت‌وگوی صریح را از دست ندهید.

طی این چند ماه صنعت سینما بالای ۲۰۰ میلیارد لطمه خورد
به جز سینماهای حوزه هنری، تقریبا بقیه سینماها تعدیل نیرو داشتند
سانس‌بندی دولتی سمفا خطرناک است
سینمادارها به نظارت سازمان سینمایی از طریق سمفا مشکوک هستند
ایران، ارزان‌ترین بلیت سینمای جهان را دارد
بلیت سینما تنها چیزی در کشور است که قیمتش بالا نرفته
این ما سینمادارها هستیم که باید عصبانی باشیم نه دیگران
سینما حال و روز خوبی ندارد
پولشویی در سینما، احمقانه‌ترین نوع پولشویی است
پولشویی در سینما حتی به اندازه یک درصد هم وجود ندارد
سریال‌های شبکه نمایش خانگی؛ دستمزد بازیگران را بالا برده است
جز اینکه آگراندیسمانه شدیم، هیچ اتفاق دیگری برای ما در سینما رخ نداده
اینکه سرمایه‌گذار پول تولید را از کجا آورده به ما مربوط نمی‌شود
هرکسی کار و تلاش می‌کند، می‌گویند مافیاست
ظرفیت تولید سالانه ما ۱۰۰ تا ۱۱۰ فیلم نیست؛ ۴۰ تا ۴۵ فیلم است
دستمزد بازیگران تا حدودی عشقی و چیزی شبیه به قمار است

عکس: کامیار خطیبی/فرهیختگان

طی چهار ماهی که سینماها تعطیل بود، خسارات جبران‌ناپذیری متوجه سینماداران، دفاتر پخش و کلا اهالی سینما شد. می‌خواهم برآورد دقیقی داشته باشید از میزان این خسارت‌ها و اینکه آیا این خسارت‌ها تنها محدود به حقوق پرسنل و بیمه آنها و هزینه‌های جاری بود یا موارد دیگری را هم در برمی‌گرفت؟

متاسفانه ما الان در موقعیتی صحبت می‌کنیم که هنوز وضعیت سینما معلوم نیست و هنوز نمی‌دانیم که طی روزهای آتی، ستاد ملی کرونا چه برنامه‌ای برای سینماها ترتیب می‌دهد. درحال حاضر سینماهای یک‌سری شهرستان‌ها مانند شهرهای استان خوزستان یا هرمزگان و آذربایجان غربی تعطیل هستند. ما فکر می‌کردیم این هفته که دومین هفته شروع فیلم‌ها بود، وضعیت بهتری داشته باشیم ولی با فضایی که به‌وجود آمد، الان فروش‌ها خیلی از هفته قبل کمتر شده است. در این زمینه ما یک مشکل اساسی دیگر هم داریم و آن، مشکل خودمان با خودمان است. یعنی اینکه نمی‌دانیم باید به مردم بگوییم بیایند یا نیایند. اینجا دیگر پای سلامتی مردم مطرح است. ما اینجا در گیشه کورش، هم ماسک می‌دهیم و هم سعی کرده‌ایم شرایط و پروتکل‌ها را تا جایی که می‌توانیم رعایت کنیم. قطعا فاصله‌گذاری‌ها را هم رعایت کرده‌ایم. این از سیستم فروش ما که از گیشه شروع می‌شود تا داخل سالن که در درون سالن‌ها، سکوریت هواجوری است که هوایی که می‌رود، هوای تازه وارد سالن می‌شود و هوا، در سالن چرخش ندارد، یعنی همه شرایط را داریم رعایت می‌کنیم و می‌گوییم که شرایط اینجا، خیلی بهتر از محیط بیرون است. ما در شرایطی پارادوکسیکال گیر افتاده‌ایم که طی آن، با اینکه مطمئن هستیم که محیط اینجا خیلی بهتر از محیط‌های بیرونی نظیر خیابان، مترو و اتوبوس هاست اما واقعا به آینده‌مان هم امیدوار نیستیم. یعنی با این اتفاق‌هایی که افتاد، صنعت سینما و مخصوصا سالن، بزرگ‌ترین ضربه را دید. حالا در کنار صنایع دیگری مثل رستوران‌ها و هتل‌ها ولی صنعت سینما خیلی از این اوضاع لطمه خورد. فکر می‌کنم صنعت سینما طی این چند ماه، حداقل بالای ۲۰۰ میلیارد لطمه خورد ولی امیدواریم روزی این کابوس تمام شود. تا ۱۰ روز پیش امید داشتیم این کابوس آرام‌آرام تمام شود ولی دوباره احساس می‌کنم شروع مجددی داشته، واقعا نمی‌دانم چقدر باید تبلیغ کنیم که مردم به سینما بیایند، با اینکه مطمئن هستیم که اینجا خیلی بیشتر از جاهای دیگر امنیت بهداشتی دارد.

طی ۴ ماه تعطیلی سینماها، تعدیل نیرو هم داشتید؟

اصلا. ما یک نفر را هم برای تعدیل معرفی نکردیم. تمام پول شارژ را هم دادیم یعنی ما فقط ماهی ۴۰۰ میلیون تومان پول شارژ دادیم. خود سینما (کورش) طی این چهار ماه بین هفت تا هشت میلیارد ضرر و زیان داد اما با این حال، یک نفر از نیروهایمان را تعدیل نکردیم. حقوق‌ها را کم نکردیم. حقوق‌ها با افزایش امسال و بیمه‌های پرسنل، همه پرداخت شده است. واقعا عین نهادهای دولتی که با کارمندان خودشان برخورد می‌کردند، ما در بخش خصوصی این کار را کردیم، البته یکی از بزرگ‌ترین پشتوانه‌های ما، گروه صنعتی گلرنگ بوده که این دوستان که شریک ما هستند، این سیستم را به کار بستند. حتی در مجتمع‌های دیگر نظیر شکوفه یا گالریا ما هیچ پرسنلی را رد نکردیم. با اینکه کسی سر کار نبود، حقوق و مزایایشان را به‌صورت کامل دریافت کردند.

خبر دارید در مجموع، سینماها چه مقدار تعدیل نیرو داشتند؟

جاهای زیادی این کار را انجام دادند. تقریبا غیر از سینماهای حوزه هنری که دولتی بودند، بقیه تعدیل داشتند ولی ما نه، اما اینکه تا چه زمانی بتوانیم این روند را ادامه دهیم، نمی‌دانم. امیدواریم سینماها دیگر بسته نشوند ولی اگر دوباره سینماها بسته شوند نمی‌دانم دیگر چه مقدار توان داشته باشیم که بتوانیم این روند را ادامه دهیم.

سیاست‌های دولت و بالاخص سازمان سینمایی در حمایت از سینمادار و اهالی سینما را طی این چهار ماه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قطعا آنچه ما می‌خواستیم و دوست داشتیم، تا الان اتفاق نیفتاده است. کمک خاصی نشده. من الان به‌عنوان سینمادار اعلام می‌کنم تا این لحظه حتی یک ریال هم از سوی دولت به ما کمک نشده است. آن وام ۱۰ میلیونی را هم نگرفتیم چون کمکی به حال ما نمی‌کرد. یعنی ما با ۱۴ پرده باید ۱۴۰ میلیون وام می‌گرفتیم و چند ماه دیگر هم آن را با سود پس می‌دادیم؛ ما که کاسب نیستیم که با پولش کار کنیم.

بالاخره ما باید شرایط و مشکلات دولت را درک کنیم و بدانیم دولت هم در شرایط خاصی قرار دارد؛ ما آمریکا و کانادا نیستیم که بخواهیم انتظارات ایده‌آلی از دولت داشته باشیم. اتفاق خیلی بزرگی حتی در این حد هم با توجه به شرایط دولت، برای سینما نیفتاده. بالاخره دولت باید بودجه‌ای داشته باشد که بتواند با آن به مشاغل کمک کند. من فکر می‌کنم سهم فرهنگ، از آن مبلغی که می‌خواستند بابت این قضیه اختصاص دهند، سهم بالایی نبوده.

به «سمفا» بپردازیم. گفتند قرار است اتفاق‌های خوبی را رقم بزند که در وهله اول، انحصار را می‌شکند اما این سمفا در دل خودش، باگ‌های زیادی داشت. سمفا خیلی بد از طرف سازمان سینمایی به سینماگران و مردم معرفی شد. از روز اول گفتند قرار است پول بلیت در لحظه، میان سه بخش سینمادار، تهیه‌کننده و پخش‌کننده تقسیم شود بعد گویا خودشان به سینماداران نامه زدند که این بخش فعلا صورت نمی‌گیرد و شرایط مانند قبل است. بعد کاشف به عمل آمد که گویا سمفا قرار است در سانس‌بندی دخالت کند و سانس فیلم‌ها را به‌صورت چرخشی تعیین کند. یعنی شما به‌عنوان سینمادار، نقشی در سانس‌بندی سینمای‌تان نداشته و این اتفاق توسط سمفا رخ می‌دهد و این یعنی سمفا با بزرگ‌تر کردن دایره اختیارات خود، قصد دولتی کردن سانس‌بندی‌ها را دارد. کمی راجع به این اتفاق‌ها صحبت کنید.

به نظر من اصل سمفا یک اتفاق بزرگ است. بزرگ‌ترین امتیازش هم این است که انحصار را شکسته است. ما بالغ بر هفت سال فقط با یک مجموعه می‌توانستیم کار کنیم و وقتی این اتفاق توسط یک مجموعه اعمال می‌شود، او می‌تواند هر جور که می‌خواهد، چه با سینمادار، چه با تهیه‌کنندگان و چه با پخش‌کنندگان رفتار کند؛ آن هم با مبالغ و درصدهای عجیبی که می‌خواستند. اینکه سمفا آمد و این را شکست، یک ترمینالی را راه انداخت که مخاطب می‌تواند از چند جا بلیت خریداری کند، خب، اتفاق بزرگی را رقم زده که عملیاتی هم شده. پنج سامانه فروش بلیت هم‌اکنون مشغول فعالیت هستند که این اتفاق، نهایتا به‌نفع سینماست و به‌نفع سینمادار و پخش‌کننده و حتی مخاطب. می‌تواند بین خودشان رقابت به وجود بیاورد. الان یکی از این سامانه‌ها بابت خدمات، چهار درصد از سینمادار می‌گیرد، یکی یک درصد و یکی هم اصلا نمی‌گیرد. خب، اینها اتفاق خوبی است برای سینمادار. مثلا سامانه‌هایی که تازه شروع به کار کرده‌اند و حتی همان سامانه‌ای که قبلا هم بوده، فعلا پولی بابت بنر و موارد تبلیغاتی که خیلی هم گران شده بود، نمی‌گیرند. اینها اتفاق‌های خوبی است.

برگردیم به مساله فروش و تقسیم پول در لحظه، که ازجمله قابلیت‌های اصلی سمفا بود. سمفا این قابلیت را دارد منتها دوستان سینمادار ما با این مورد مساله دارند. مسائل دیگری هم دارند؛ یکی‌اش همین موردی که شما به آن اشاره کردید؛ سانس‌بندی‌های دولتی که اینها می‌تواند یک جاهایی خطرناک باشد و خود من هم قطعا موافق آن نیستم. آن دوستانی که در ارشاد هستند، یک تحلیلی دارند که می‌گویند ما دخالتی نمی‌کنیم ولی اگر شما با صاحب سینما و تهیه‌کننده قرارداد بستید که این فیلم روزی سه سانس برود، باید روزی سه سانس داشته باشد. یعنی ما ببینیم که این سه سانس را رفته. دیگر این‌طور نباشد که هرلحظه خواست عوض کند، بگوید من دو هفته قرارداد بستم می‌خواهم دو روز بیشتر نباشد و آن را عوض کنم.

در این مساله، باید آن طرف دیگر قضیه را هم ببینیم. دوستان می‌آمدند اعتراض می‌کردند که شما سه سانس قرارداد بستید و فیلم ما را در سانس‌های ۱۰ و ۱۲ و ۲ بعدازظهر نمایش می‌دهید. کلی اعتراض این مدلی داشتیم. حالا الان می‌گویند با این اتفاق، شما باید فیلم را در سانس‌های ۲، ۵ و ۹ شب بگذارید یعنی آن چیزی که قرارداد شده و نمی‌توانی در آن دست ببرید. شما اگر از آن طرف هم نگاه کنید، می‌بینید حق هم دارند منتها این مسائل باید با تعامل و به شکلی درست حل شود و نگاه دولتی روی قضیه نباشد. این نگاه، هم می‌تواند خوب باشد و هم می‌تواند بد؛ بستگی به آن آدمی دارد که آنجا (ارشاد) کنترل می‌کند. چون دولت درحال کنترل این موضوع است، ما به مقداری از این نظرها مشکوک هستیم که فردا دولت نیاید در کار ما دخالت کند یعنی از زوایای بد قضیه به موضوع نگاه کند. برای همین سینماداران با سمفا مشکل دارند که این اتفاقات منجر به این چیزها نشود که از نظر من، حق هم دارند. ولی سازمان سینمایی می‌گوید من فقط نظارت می‌کنم ولی آن چیزی را که شما با هم توافق می‌کنید من طوری پیاده‌سازی می‌کنم که به‌صورت درست انجام شود. یعنی اگر با فیلمی قرارداد بستید که روزی سه سانس باید به آن بدهید، باید آن روزهایی که در قرارداد مشخص شده را به درستی اجرا کنید و در لحظه عوضش نکنید. تهیه‌کنندگان این فیلم‌ها هم شکایت دارند که سینمادارها یا آن سه سانس را نمی‌دهند یا اگر می‌دهند، سانس‌های مرده صبح و ظهر را می‌دهند.

به نظرم اصل سمفا یک اتفاق بسیار خوب بود یعنی آمد و انحصار را شکست، آمد سامانه‌های فروش مختلف را به وجود آورد. الان «آپ» به سامانه‌های فروش بلیت اضافه شده، خب «آپ» ۲۰ میلیون مخاطب دارد که اگر بتواند اینها را به سمت سینما بکشاند، ببینید چه اتفاق خوبی رخ می‌دهد و چقدر به سینما کمک می‌شود. می‌تواند طرح بگذارد که اگر کسی بلیت سینما را بخرد، فلان امکان مثلا اسنپ به او می‌دهیم و...

یعنی سینماداران به این دلیل با آن قسمت تقسیم در لحظه پول بلیت مشکل دارند که بعضی از آنها پیش‌تر، پول فروش یک فیلم را چندین ماه پس از پایین آمدن از پرده می‌دادند و الان که قرار است پول بلیت در لحظه تقسیم شود، طبیعی است که ناراحت باشند.

اکثر سینماها به‌موقع پول را می‌دهند و فقط بعضی‌ها بدحساب هستند. مثلا فیلم «مطرب» باید پول خردادی و بهمن‌ماه می‌گرفت اما الان که تیرماه است، هنوز نتوانسته پول خود را بگیرد. ببینید چند درصد از پول «مطرب» بابت این تاخیر از بین رفته است؟ یعنی اگر ۴۰ میلیارد فروخته، مثل این است که ۲۰ میلیارد فروخته، چون ارزش پول ما در این مدت خیلی کم شده است. ما باید در این مساله، هر دو طرف را ببینیم؛ هم صاحب فیلم حق دارد پولش را در لحظه بگیرد و هم سینمادار می‌گوید من کلی هزینه دارم و نمی‌توانم. اما مهم‌ترین خطر سمفا این است که مجموعه شاید بیفتد دست آدم‌هایی که بعدا بخواهند یک جور دیگر سینما را کنترل کنند.

بنابراین در شرایط فعلی، سمفا همچنان روی کاغذ مانده و فقط تنها کاری که کرده این بوده که انحصار را شکسته. درست است؟

آمده انحصار را شکسته و کانال‌های مختلف بلیت را به‌وجود آورده است. شفافیت گزارشی را هم به‌وجود آورده که همه می‌توانند در لحظه بروند و ببینند که هر فیلم، چند بلیت فروخته. سمفا واقعا این شفافیت‌ها را به سینما آورده است.

غیر از تقسیم در لحظه پول و گزارش‌دهی آنلاین و سانس‌بندی، سمفا قرار است چه کارهای دیگری انجام دهد؟

سمفا می‌تواند همه‌چیز را دیجیتالی کند. قراردادها دیگر کاغذی نیست. قرارداد را آنلاین با سینماهای سراسر کشور می‌بندی و همانجا برایشان کی‌دی‌ام می‌فرستی و دیگر نیازی به ارسال هارد نیست و... یعنی همه این کارها را به‌صورت آنلاین انجام می‌دهی. مشکلات چندساله این مدل اقدامات فیزیکی می‌تواند با سمفا حذف شود.

طی روزهای اخیر بدعتی جدید در بحث فروش بلیت به‌وجود آمده؛ به این ترتیب که ۹ درصد از بهای کل بلیت به‌عنوان «ارزش افزوده» در رقم نهایی بلیت‌ها لحاظ می‌شود. این یعنی آنکه سینمادارها می‌خواهند پول مالیات سالن‌هایشان را از مردم بگیرند. این، به معنی دست کردن سینمادارها در جیب مردم نیست؟

واقعیتش این است که تا پیش از این، هندوستان، ارزان‌ترین بلیت سینماهای جهان را داشت که درحال حاضر این عنوان در اختیار ایران است. یعنی ارزان‌ترین بلیت سینما متعلق به ایران است که به قیمت کمتر از یک دلار به فروش می‌رسد، آن هم در بهترین سالن‌هایمان. ولی هزینه‌های ما، دستگاه‌هایی که دارند کار می‌کنند، آن لامپی که آنجا روشن است، آن صندلی و... را داریم، به‌دلیل تحریم، گران‌تر از اروپا و آمریکا می‌خریم. هزینه‌های ما بسیار بالاست. خب این صنعت باید بچرخد یا نه؟ ما قیمت بلیت را هم برای امسال که بالا نبردیم یعنی این قیمت بلیت سینماها، تنها موردی در کشور است که هیچ تغییری به‌نسبت سال گذشته خود نداشته و حتی یک ریال به آن اضافه نشده است. حتی مترو و اتوبوس که متعلق به دولت است در سال جدید با افزایش قیمت مواجه شد اما ما هیچ افزایش قیمتی در بحث بلیت نداشته‌ایم.

حالا تنها اتفاقی که برایمان افتاده، همین بحث ارزش افزوده است. شما وقتی می‌روید در رستوران غذا بخورید، مثلا نوشته مبلغ غذا ۸۰ هزار تومان، پایینش هم نوشته ۹ درصد ارزش افزوده که به آن مبلغ ۸۰ هزار تومان اضافه می‌شود. ما آن ۹ درصد ارزش افزوده را با توجه به اینکه دیگر سمفا می‌تواند این را جدا کند و این باید مستقیم به اداره دارایی برود، به قیمت بلیت اضافه کرده‌ایم. قبلا این را باید سینمادار، پخش‌کننده و تهیه‌کننده با هم می‌دادند که از دل یک بلیت باید جداسازی صورت می‌گرفت که کلی اختلاف بر سر آن بود که یک‌سری می‌دادند و یک‌سری نمی‌دادند. درگیری‌های مختلفی به راه انداخته بود. الان این جدا شده و سینمادار، پخش‌کننده و تهیه‌کننده می‌دانند که به مالیات کاری ندارند و اصل قیمت بلیت میان این سه بخش تقسیم می‌شود.

این اتفاقا فقط درمورد سینما نیست و در هر کسب‌وکاری دیده می‌شود. شما الان هر چیزی که می‌خواهید بخرید باید ارزش افزوده آن را بپردازید. سینما نه افزایش قیمتی داشته و نه افزایش دیگری.

حالا این اتفاق چه فوریتی داشت که بلافاصله پس از بازگشایی سینماها اجرایی شود؟ یعنی در روزهایی که ما نمی‌دانستیم اصلا کسی به سینما می‌آید یا نه و سینماداران باید به فکر جذب مخاطب بیشتر می‌بودند، این اتفاق رخ داد. به نظر حرکت هوشمندانه‌ای در این برهه نبود.

الان قیمت همه‌چیز بالا رفته اما قیمت بلیت اضافه نشده است. تنها اتفاقش همین اضافه شدن ۹ درصد ارزش افزوده به قیمت بلیت است که آن هم نصیب دولت می‌شود.

یعنی سینمادار مشمول هیچ تخفیف مالیاتی نمی‌شود و باید مانند اصناف، ۹ درصد ارزش افزوده خود را کامل بپردازد؟

بله، متاسفانه. ما باید به‌عنوان یک کار فرهنگی، مانند اصناف، ۹ درصد ارزش افزوده بپردازیم. شما غذایی که تیرماه سال گذشته خورده‌اید، ببینید الان چند تومان شده است، اما ما داریم بلیت را به همان قیمت پارسال می‌فروشیم؛ با مخاطب کمتر و هزینه‌های وحشتناک بیشتر. مثلا لامپی که سال گذشته می‌خریدیم سه میلیون، الان باید ۲۰ میلیون تومان بخریم. همه این وسایل تحریمی است و باید از این طرف و آن طرف گیر بیاوریم. الان ما باید عصبانی باشیم که این همه سرمایه‌گذاری شده و هزار امید داشتیم اما با این وضعیت و هزینه‌ها به هیچ کدام‌شان نرسیده‌ایم. هیچ فرد و نهادی هم به ما کمک نمی‌کند. خصوصی خصوصی هستیم. ما بیشتر با قشر جوان طرف هستیم که عمده آنها وضعیت مالی خوب و باثباتی ندارند و الان تنها دلخوشی شان این است که به سینما بروند. یعنی الان تنها سفری که یک خانواده می‌تواند به‌واسطه آن، از خانه بیاید بیرون و به‌همراه اعضای خانواده گشتی بزند، سینماست. یعنی یک خانواده چه کار و تفریحی می‌تواند انجام دهد که تا این میزان بی‌هزینه و ارزان باشد؟ ما الان ارزان‌ترین تفریح دنیا را داریم.

فقط ارزش افزوده نیست. همزمان با این اتفاق، برخی سامانه‌های فروش بلیت هم چهار درصد از مبلغ کل بلیت را تحت یک عنوان واهی و من درآوردی «خدمات آنلاین» از مردم مطالبه می‌کنند. اینها اگر خدمات آنلاین نداشته باشند که اصلا موجودیت ندارند یعنی اصلا فیزیکی نیستند که حالا خدمات آنلاین را به‌عنوان یک آپشن مطرح کرده‌اند و برای آن از مخاطب سینما هزینه می‌گیرند!

این بحثی است که قبلا هم بوده. این خدمات آنلاین در اروپا و آمریکا هم تا هفت درصد وجود دارد. اینکه شما جایی را تاسیس کنی و یک‌سری آدم را بگذاری و یک‌سری پلتفرم داشته باشی که از پشتیبانی برخوردار باشند، خب، اینها هم هزینه‌هایی دارند. قبلا این هزینه از دل آن بلیت ۲۰ هزارتومانی پرداخت می‌شد که این هم جدا شد و الان به‌صورت جداگانه از مخاطب گرفته می‌شود.

پس این هم از برکات سمفاست؟

بله، دقیقا.

شما مدام می‌گویید بلیت سینما برای امسال گران نشد اما درحقیقت مردم دارند بلیت‌های سینما را ۱۳ درصد گران‌تر از

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

سال گذشته می‌خرند، بابت اضافه شدن ۹ درصد ارزش افزوده و چهار درصد هم خدمات آنلاین.

این حرف شما درست است اما در سال‌های گذشته، مشکلات بسیاری رقم می‌خورد. یعنی این درصدها یک‌بار از سینمادار کم می‌شد، یک‌بار از تهیه‌کننده و یک‌بار هم از پخش‌کننده. یعنی فیلمی که قبلا با سه میلیارد ساخته می‌شد و الان با هفت میلیارد، مدام از آن زده می‌شد. باید این طرف قضیه را هم نگاه کنیم. پول همه عوامل تولیدی سینما گران شده است؛ از قیمت غذا بگیرید تا دستمزد بازیگر. پول لوازم چندبرابر شده است. همین موارد بهداشتی که ما باید رعایت کنیم که ماسک بدهیم و ضدعفونی کنیم و... خودش یک هزینه است. هزینه‌ها وحشتناک شده. خب این طرف قضیه را هم باید دید. شما به‌راحتی سوار تاکسی می‌شوید که قبلا هزار تومان می‌دادید و الان باید دو تا سه هزار تومان بدهید؛ پول تلفن ثابت الان دوبرابر شده و... همه‌چیز بالا رفته. سینما بی‌صاحب‌ترین کار است. با مردم ارتباط دارد و همه اتفاقاتش مردم هستند. کمی مشکل سینمادار را هم ببینیم. مثلا شبی که ما ۱۲ میلیون تومان بلیت فروختیم و واقعا هزینه نصف آدم‌هایی که اینجا در کورش دارند کار می‌کنند هم درنمی‌آید. ما داریم به این شیوه سینما را اداره می‌کنیم. الان چرا مجموعه سینماهای مرکزی در میدان انقلاب هنوز بسته و باز نکرده‌اند؟ سینما قدس اصفهان چرا هنوز باز نکرده؟ چون اصلا صرف نمی‌کند که باز کنند. الان بیشتر پردیس‌ها نیروهایشان را تعدیل کرده‌اند؛ ۲۰ نفر بوده‌اند، کرده‌اند چهار یا پنج نفر. اگر ما نکردیم به این دلیل که در مجتمع شلوغی هستیم و پشتوانه این مجتمع را داریم. سینما حال و روز خوبی ندارد.

و چون حال و روز خوبی ندارد، پول این آیتم‌ها را که قبلا از جیب سینمادار، پخش‌کننده و تهیه‌کننده پرداخت می‌شد، الان مردم باید بپردازند؟

اگر اوضاع خوب باشد مردم به سینما می‌آیند؛ چون ارزان‌ترین تفریح آنهاست. حالا بگوییم چون دو هزار تومان هزینه‌های جانبی افتاده روی قیمت بلیت، مردم به سینما نمی‌آیند، درست نیست. ما الان داریم ماسک رایگان به مخاطبان‌مان می‌دهیم که خیلی بیشتر از این دو هزار تومان برایمان هزینه شده. مردم برای ما مهم هستند. حالا جار و جنجال به راه می‌اندازید که پول بلیت اضافه شده، خب چیزهای دیگر را هم ببینید. هزینه ناهاری که داریم به پرسنل‌مان می‌دهیم، دوبرابر شده، ما از کجا باید بیاوریم؟ این پرسنل، ۲۰ درصد حقوق و مزایایش نسبت به سال گذشته بیشتر شده، این ۲۰ درصد را از کجا بیاوریم؟

مصداقی‌تر حرف بزنیم؛ پول ناپاک در سینما داریم؟

شاید در سینما باشد، همان‌طوری که همه‌جا هست، ولی اینکه کسی بخواهد دنبال پول ناپاک باشد و به این منظور بیاید در سینما و بخواهد پولشویی کند، احمقانه‌ترین سیستم را برای این کار انتخاب کرده است.

چرا؟

به این دلیل که شما تصویر را در سینما ۷۰ برابر می‌بینید. سینما در ذات خودش بزرگنمایی و بزرگ دیده شدن دارد. کسی که پولشویی می‌کند، نمی‌آید خودش را بیندازد زیر دوربین که در معرض دید باشد. شاید به دلیل اینکه بخواهد خود را معروف کند، دست به این کار بزند، ولی کسی که می‌خواهد پولشویی کند، مگر احمق است که بیاید در سینما. حالا مگر در این سینما چقدر پول هست؟ کل سینما در یک سال با ۳۰۰ میلیارد می‌چرخد. اینکه پول‌هایی را باباوری و بعد بروی زیر سوال، احمقانه است. مثلا آقای رنجکشان به عرصه سرمایه‌گذاری ورود کرده، درحالی که خودش شرکت دارد، هواپیمایی دارد، صاحب چندین هتل است و... حالا باید خودش را بابت سرمایه‌گذاری در چند فیلم ببرد زیر سوال که همه بگویند این را از کجا آورده و خودش را ببرد زیر ضربه؟ به نظر من این جورها نیست.

پس چرا سرمایه‌گذار باید برای فیلمی ۲۰ میلیارد بگذارد و ۳ میلیارد بردارد؟ چرا باید متحمل چنین ضررهایی شوند و باز هم این مسیر را ادامه دهند؟

ببینید، خیلی‌ها آمدند و در این سینما ۲۰ میلیاردها و ۱۰۰ میلیاردها آوردند. کسانی که به سود رسیدند و کسانی که شکست خوردند. بعضی‌ها این عشق را دارند که در سینما فعالیت کنند؛ کشته‌مرده‌اش هستند. بعضی‌ها از بچگی، خواب و خوراک نداشتند که بیایند در سینما و یک نقش بازی کنند. خیلی‌ها به اینها گفتند آقا برو دنبال زندگی‌ات. خب، عشق سینما دارند. بعضی‌ها دوست دارند دیده شوند. شما اگر طلافروش باشید، هر چقدر هم که خرج کنید، دیده نمی‌شوید، ولی وقتی در سینما هستید، دیده می‌شوید. اینطور نیست که همه این پول‌ها را به پولشویی ربط دهیم. این را قبول دارم که یک‌سری‌ها، پولی که وارد سینما می‌کنند را از بانک یا جاهای دیگر گرفته‌اند، ولی اینکه کسی بخواهد بیاید در سینما پولشویی کند، یک درصد هم قبول ندارم، چون می‌رود زیر ذره‌بین. می‌رود زیر نگاه که همه او را ببینند. همین سرمایه‌گذاران سینمای امروز ما، هزار تا کار مهم و اصلی دارند، اما وقتی وارد سینما نشده بودند، آیا کسی دنبال‌شان بود که آقا این دارد پولشویی می‌کند؟ ولی وقتی آمدند در سینما، همه دنبالش هستند که ببینند او چه کاره بوده و از کجا پول آورده و همه به آنها حساس می‌شوند.

ولی همین حرکات، در دل خودش، منشأ تبعات فسادزایی می‌شود. اینکه در ابتدای امر، تهیه‌کنندگانی وجود دارند که سهمی از پول بادآورده را در جیب خودشان می‌گذارند، اینکه بازیگران ما دستمزدهای خود را نجومی بالا می‌برند و...

بله، این را همه ما قبول داریم، اما از آن طرف، خیلی‌ها بودند که آمدند پول گذاشتند و این کارها را انجام ندادند. از آن طرف، خیلی‌هایی که ۳۰ سال است تهیه‌کننده هستند اتفاقا دارند این کارها را انجام می‌دهند. بازیگری که در اسفندماه به او ۸۰۰ میلیون دستمزد دادم، همان آقایی که تا حالا ۶۰ فیلم تولید کرده، بعد از دو ماه به او یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان داده، آن هم برای فیلمی که هنوز اکران نشده. این‌طوری نیست که ما بخواهیم بگوییم حتما این آدم‌هایی که تازه وارد سینما شده‌اند، از پولشویی به جایی می‌رسند.

بله، این تورم‌ها را به وجود می‌آورند، ولی اگر حرفه‌ای باشند، قطعا دست به این کارها نمی‌زنند. فرمول چیده‌شده این شکلی که هرکسی که تازه می‌آید و سرمایه می‌گذارد، چنین اتفاق‌هایی در فیلمش می‌افتد، وجود ندارد، ولیکن متاسفانه بیشتر دوستانی که تازه وارد سینما می‌شوند و پول‌های دیگری هم دارند و به عشق‌های دیگر به سینما ورود می‌کنند، یک پول‌هایی را می‌آورند که تورم هزینه‌ها را به‌وجود می‌آورد. ولی یادمان باشد اصلی‌ترین مدیومی که تورم در تولید را به‌وجود آورده، سریال‌های شبکه نمایش خانگی است. این سریال‌ها، خیلی دستمزد بازیگران و عوامل تولید را بالا برده است. دستمزدهای ماهانه برای بازیگران و عوامل در نظر می‌گیرند و تعدادشان روزبه‌روز درحال بیشتر شدن است و یک جور رقابت شکل گرفته.

یعنی شما معتقدید هر پولی را که به فرآیند تولید سینمایی تزریق می‌شود باید به فال نیک گرفت؟

قطعا. حتی پول دولتی که توقع در آن به وجود نیاید، مشکلی ندارد، ولی پول بخش خصوصی که یک نفر بخواهد خیلی درست به فرآیند تولید وارد شود و دستمزدها را بالا نبرد و شرایط خاص به‌وجود نیاورد، مشکلی ندارد.

فکر می‌کنید چند درصد این سرمایه‌ها، اینطور که شما آرمانی نگاه می‌کنید، به تولید می‌رسند؟

هست؛ خیلی‌ها هستند. مثلا من فکر می‌کنم همین آقای رنجکشان دارد خیلی خوب کار می‌کند. یک‌سری فیلم اجتماعی خوب ساخته. ببینید باید به این مورد هم توجه داشت که برخی از این سرمایه‌گذارها ازجمله خود من، به جایی می‌رسند که دیگر نگاه‌شان صرفا نگاه تجاری و پول درآوردن نیست. من دوست دارم از یک‌جایی به بعد بگویند «علی سرتیپی» فیلم‌های این مدلی ساخت، پشت یک‌سری فیلم‌های این‌طوری بود. مثل اینکه من الان پردیس کورش را می‌سازم بعد بروم در بروجرد هم حتی از جیبم شده پول بگذارم و سینما بسازم که ببینند آنجا هم کار کردم. اینها کنار هم، یک مسئولیت‌های اجتماعی است و البته که عشق و حال هم هست.

با این تعریف شما، آن سرمایه‌گذار معروفی که الان در زندان به سر می‌برد هم چون به سینما و شبکه نمایش خانگی پول تزریق کرده، کار خوبی مرتکب شده؟

اینکه ایشان پول گرفته یا وام گرفته، اگر کار خلافی کرده باید محکوم شود. ولی می‌گویم ایشان که پولی را وارد سینما کرده، اتفاقا برعکس عمل کرده؛ یعنی اگر ایشان در سینما نبود، شاید این نورافکنی که رویش روشن شد و این اتفاق‌هایی که برایش افتاد و این رسانه‌ای شدن مسائلش، به او ضرر زد تا اینکه بخواهد به او کمک کند. یعنی اگر ایشان پولی را که گرفته بود وارد سینما نمی‌کرد و مثلا می‌رفت ملک می‌خرید، شاید اینقدر روی او تمرکز نمی‌شد. ضمن اینکه مگر ایشان چقدر پول آورده؛ ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد که بیشتر نیاورده. چندسریال شبکه نمایش خانگی ساخته و چهار پنج تا هم فیلم. جز متمرکز شدن و حساس شدن روی این آدم، اتفاق دیگری برایش رقم خورده؟ درنتیجه ایشان هم آن ضربه را خورده؛ یعنی ایشان یک پول‌هایی داشته و چون می‌خواسته دیده شود یا به هر دلیلی، وارد سینما شده.

این بلبشویی که به‌راه افتاده که پول ناپاک وارد سینما شده و تبعات جبران‌ناپذیری را رقم زده و درمقابل عده‌ای دیگر سینه سپر می‌کنند که نه، این اتفاق خوبی است و چرخ‌های تولید سینما به حرکت درآمده و... را چه کسی یا نهادی باید رسیدگی کرده و این قصه قرار است تا کجا ادامه پیدا کند؟

ما در جایگاهی نیستیم که بنشینیم و قضاوت کنیم.

پس چه کسانی باید قضاوت کنند؟

دادگاه و آن آدم‌های نظارتی که دارند فعالیت می‌کنند. مثلا فرض کنید پسرخاله من در بازار، طلافروشی دارد و می‌رود کارش را انجام می‌دهد و زندگی‌اش را می‌کند. نه اسمش را کسی می‌داند و نه چیز دیگری. ۱۶ برابر من هم مال و سرمایه دارد. بعد آن‌وقت من بیایم یک سالن سینما بسازم، همه فریاد می‌زنند که این آدم مافیاست و این از کجا آورده که دارد این سالن را می‌سازد. همه می‌دانند که ما امشب چقدر فروختیم و چقدر درآمدمان بوده و یا پول بلیت‌مان فلان‌قدر گران شده و... ولی آنها تا سه ماه پیش سکه می‌فروختند چهار میلیون تومان، الان دارند می‌فروشند ۱۱ میلیون تومان. نه کسی با آنها کار دارد و نه کسی به آنها می‌گوید چرا سرمایه‌ات زیاد شد و چرا ارزش افزوده را لحاظ کردی و... ما در سینما جز اینکه آگراندیسمانه شدیم و همه زوم‌ها برروی ماست، اتفاق دیگری برایمان رخ نداده.

> اگر اوضاع خوب باشد مردم به سینما می‌آیند. چون ارزان‌ترین تفریح آنهاست. حالا بگوییم چون ۲ هزار تومان هزینه‌های جانبی افتاده روی قیمت بلیت مردم به سینما نمی‌آیند، درست نیست. ما الان داریم ماسک رایگان به مخاطبان‌مان می‌دهیم که خیلی بیشتر از این ۲ هزار تومان برایمان هزینه شده. مردم برای ما مهم هستند. حالا جاروجنجال به‌راه می‌اندازید که پول بلیت اضافه شده، خب چیزهای دیگر را هم ببینید. هزینه ناهاری که داریم به پرسنل‌مان می‌دهیم، ۲ برابر شده خب ما از کجا باید بیاوریم؟ خب این پرسنل، ۲۰ درصد حقوق و مزایایش نسبت به سال گذشته بیشتر شده، خب این ۲۰ درصد را از کجا بیاوریم؟

بر فرض من سرمایه‌گذار، ۲۰ میلیارد برای یک درام آپارتمانی به شمای تهیه‌کننده می‌دهم. شما سه میلیارد در همان ابتدا به‌ساکن می‌گذارید جیب خودتان. به بازیگر ۵۰۰ میلیونی، ۸۰۰ میلیون دستمزد می‌دهید، به‌باقی عوامل هم همین‌طور. جوری که در انتها دو میلیارد دیگر هم به جیب خودتان برود. خب این وسط، صداهای موافق و مخالفی بلند می‌شود. من می‌گویم این قبیل اتفاق‌ها تا کجا باید ادامه داشته باشد؟ نهاد ناظر که نمی‌تواند یکی‌یکی فیلم‌ها را بازرسی کند که مشمول چنین اتفاقی شده‌اند یا نه.

اینکه یک آدم احمقی بیاید برای یک کار ۱۰ میلیاردی، ۲۰ میلیارد پول بدهد، دیگر تکلیفش مشخص است. اینکه این پول را از کجا آورده که دیگر به ما مربوط نمی‌شود. مثل این است که شما می‌روی یک آپارتمان می‌خری که قیمتش متری ۵۰ میلیون تومان است، اما شما طالبش شدی و متری ۶۰ میلیون هم حاضری بابتش پول بدهی. آن‌وقت آیا کسی می‌آید یقه شما را بگیرد؟ حالا یک آدمی آمده و ۲۰ میلیارد آورده. ضمن اینکه کو آن آدمی که چنین پول‌هایی را آورده و عوامل به جیب زده‌اند؟ این شکل آدم‌ها و سرمایه‌گذارها را من خیلی در سینما نمی‌بینم.

یعنی خبررسانی‌های این چندساله که حکم به وجود چنین سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگانی می‌دهند، شانتاژ بوده؟

من خیلی نمی‌بینم. چه کسی است که آمده و با این پول‌ها کار خاصی انجام داده؟ بالاخره ما هم باید می‌دیدیم. یکی دو نفر بودند که کار بیت کوین انجام می‌دادند. طرف رفته بیت کوین خریده و فیلم ساخته. البته الان می‌گوید دیگر فیلم نمی‌سازم و تمام شد. چند تا ساخت و فهمید خبری نیست و رفت. اصلا این خبرها نیست.

البته بحث پول‌های ناپاک در سینما، تنها محدود به حوزه تولید نمی‌شود. در حوزه اکران و پخش هم طی این سال‌ها سروصداهای زیادی مبنی بر برخی رفیق‌بازی‌ها و اصطلاحا مافیا بلند شده. به‌وجود مافیا و اصطلاحا یک جریان خزنده در حوزه پخش اقرار دارید؟

الان که ۷ تا گروه هستند و دو فیلم بیشتر نمی‌دهند؛ در نتیجه نیست.

منظورم تا پیش از این تعطیلی‌های کرونایی است.

تا پیش از این، هر کسی که کار و تلاش می‌کند، بحث در مورد مافیایی بودن او به‌وجود می‌آید. آقا، مافیای چی؟ واقعیتش این است که ما یک‌سری سالن کم داشتیم و فیلم هم زیاد. ما در زمینه تولید سینمایی، دهمین کشور دنیا هستیم ولی به لحاظ تعداد سالن، صدوچهلمین کشور. این عدم عرضه و تقاضا همیشه این مشکلات را به‌وجود می‌آورد. من نه خوشم می‌آید به یک فیلم نفروش سانس بدهم و نه خوشم می‌آید که سانس‌های یک فیلم پرفروش را بگیرم. این یک اصل طبیعی است. ما هم همیشه فکر می‌کنیم که وقتی یک فیلمی را ساختیم باید حتما در سینما اکران شود و حتما در بهترین شرایط باشد. مثل آن ضرب‌المثل که می‌گفت سوسک از دیوار بالا می‌رفت مادرش می‌گفت قربان دست و پای بلوریت. همه فیلم‌هایمان را هم می‌گوییم مثل فرزندان‌مان دوست داریم. ما فکر می‌کنیم بهترین فیلم دنیا را ساخته‌ایم که هر وقت نمی‌فروشد هزار تا دلیل می‌آوریم که سینمادار فلان کرد، بهمان کرد، مافیا کرد، لابی کرد و... هر وقت هم که می‌فروشد می‌گوید فیلم خودمان عالی بود. پس چرا ۴۰ میلیارد، باید ۷۰ میلیارد می‌فروخت.

بالاخره یک‌سری ناکارآمدی‌ها و ارتباطات و آشنایی‌ها هست. در همه حوزه‌ها هم همین‌طور است و اینجا هم وجود دارد اما اینجا، جایی است که با مردم سروکار داریم. مردم اگر بخواهند یک فیلم را ببینند، استقبال می‌کنند و من سینمادار جای بیشتری به آنها می‌دهم اما وقتی استقبال نشود، دیگر نمی‌روند.

ضمن تحسین جسارت شما در پذیرفتن اینکه در مقوله پخش، بالاخره آشنابازی‌هایی وجود دارد، دو نکته را یادآور می‌شوم: اول اینکه فیلمیران با مدیریت شما، سال گذشته نزدیک به ۸ میلیون قطعه بلیت فروخت که چندین میلیون بیشتر از دیگر پخش‌کننده‌ها بود. دوم اینکه در همین کورش که شما باز مدیریت آن را برعهده دارید، همین سال گذشته، یک فیلم بالغ بر ۳۰ سانس داشت و یک فیلم دیگر، همزمان ۳ سانس. این دو مقوله در راستای همان ارتباطات و آشنایی‌هاست دیگر، درست است؟

براساس فروش است. یعنی اینکه مردم یک فیلمی را دوست دارند پس به آن می‌شود ۳۰ سانس داد و یک فیلم دیگر را هر کاری می‌کنی، مردم نمی‌آیند که ببینند بنابراین نمی‌توان برای آن کاری کرد. فیلم می‌تواند اثر خوبی باشد که بسیار هم آن را دوست دارم ولی وقتی مردم با آن ارتباط برقرار نمی‌کنند یعنی نمی‌توان برای آن کاری کرد. ضمن اینکه در دنیا طرفی که فیلم دارد، سالن دارد و پخش دارد، یکی هستند. کمپانی‌ها هستند که فیلم را تولید، توزیع و اکران می‌کنند. هر کمپانی‌ای برای خودش سینما دارد، هر کمپانی هر چه دوست داشته باشد را اکران می‌کند، هر کمپانی دوست دارد راه خودش را برود. خب طبیعتا در آن سیستم چنین بحث‌هایی به وجود نمی‌آید. ما ظرفیت ۱۰۰ تا ۱۱۰ تولید را نداریم؛ ظرفیت ما تولید ۴۰ تا ۴۵ فیلم در سال است. برای همین همه مدعی هستند. حتی همان فیلمی که ۳۰ سانس در روز به او می‌دهیم می‌گوید خب این پنج سانس فیلم‌های نفروش را هم بده به من؛ باز هم سانس می‌خواهد؛ طبیعی هم هست. در سینمای جهان هم وقتی فیلمی می‌فروشد به آن سانس‌های بیشتر می‌دهند. ما اینجا بحث‌های عدالت در اکران و این چیزها را داریم.

دلیل سینمادار شدن تهیه‌کنندگان را در چه عاملی می‌دانید؟ طی دو سه سال اخیر، برخی تهیه‌کنندگان به‌دنبال مدیریت پردیس هستند، چه خبر شده؟

بالاخره اینها فهمیده‌اند برای اینکه بقا را درست انجام دهند، به‌مانند سال‌های پیش از انقلاب و به‌مانند سینمای جهان که کمپانی‌ها برای خودشان سینما و پخش دارند، به این مسیر ورود کنند. اصلا اصولش همین است که شما یک فیلمی را بسازی، بدانی چه زمانی آن را پخش می‌کنی که بروی آن را در آن سینماها بگذاری. حالا این چرخه اگر مال خودت باشد، خیلی موفق می‌شوی. مثلا همین شرکت گلرنگ را در نظر بگیرید. خب اینها چرا موفق هستند؟ چون خودشان تولید می‌کنند، خودشان پخش دارند و در افق کورش هم پخش می‌کنند. چون اساسا سیکل درست است. در سینما هم باید این سیکل به راه بیفتد.

نباید جلوی آن دسته از تهیه‌کنندگانی که پول دارند و می‌خواهند به این سمت بیایند را گرفت. یکی توانست و انجام داد و رفت بابت این مساله خانه و ماشینش را فروخت و پردیس ساخت؛ کار ارزشمندی انجام داده. زمانی که همین کورش ساخته می‌شد می‌گفتند چه کسی می‌رود در ستاری فیلم ببیند حالا دارند پردیس ۱۴ سالنه می‌زنند؛ خب وقتی چنین تفکری آن زمان بوده که با وجود چنین حرف‌هایی، به اعتقاد خودش یقین داشته، خب باید الان نان سرمایه‌گذاری و فکر و تلاشش را ببرد.

پس از بازگشایی سینماها، ۲ فیلم جدید «شنای پروانه» و «خوب، بد، جلف ۲» روی پرده رفت. ۲ فیلمی که امیدهای بسیاری به فتح گیشه‌های سینمای ۹۹ داشتند اما این ۲ فیلم در روزهایی نمایش داده شده‌اند که سینماها (آنهایی که باز هستند) عملا نیمی از ظرفیت خود را ندارند. از طرف دیگر روزانه حدود ۱۵۰ قربانی کرونا داریم و جو ناراحت، عصبی و ترسناکی بر جامعه حاکم است. در چنین شرایطی، نمایش این ۲ فیلم را که نه با حال این روزهای مردم هم‌خوانی دارد و نه می‌تواند آن زرق و برق را به گیشه‌ها بیاورد، تا چه اندازه هوشمندانه می‌بینید.

نمایش این دو فیلم، فقط با هدف کمک به سینما بود.

ببینید در دنیا هم که نگاه کنیم «کریستوفر نولان» فیلمش را در این روزها اکران نمی‌کند و قید نمایش «تنت» را در چندین هزار سینمای آمریکا، اروپا و آسیا می‌زند. آنجا هدف کمک به سینما وجود نداشت؟

اینجا فقط با هدف کمک به سینما انجام شد. فقط به همین دلیل، این دو فیلم اکران شد. ضمن اینکه اصلا تصورش را نداشتیم که کرونا دوباره برگردد. فکر می‌کردیم روند نزولی دارد ولی هدف اصلی کمک به چرخه سینما بود.

یعنی سرمایه‌گذار چنین ریسکی می‌کند که با هدف کمک به سینما، قید سود بیشتری که در یک اکران هدفمند رقم می‌خورد را بزند؟

بالاخره چنین ریسکی کرده‌اند.

اگر قرار بود بین ۳ فیلم «رحمان ۱۴۰۰»، «خروج» و «شنای پروانه»، تنها یک فیلم را نمایش دهید، آن فیلم کدام است؟

شنای پروانه.

چرا؟ اصلا از دیدگاه «علی سرتیپی»، فیلم خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

فیلم خوب فیلمی است که استانداردها را رعایت کرده و با مردم ارتباط برقرار کند؛ یعنی خوب بفروشد و مردم از آن استقبال کنند. من؛ «علی سرتیپی» هم فیلم «مسعود ده‌نمکی» یعنی «اخراجی‌ها ۳» را اکران می‌کنم و همزمان با این فیلم، اثر «اصغر فرهادی» یعنی «جدایی نادر از سیمین» را. حالا ملاک چیست؟ ملاکم این است که این فیلم‌ها با مردم ارتباط برقرار می‌کنند.

یعنی نگاه صرفا گیشه‌ای دارید؟

صرفا گیشه. ولی گیشه‌ای که آثار استانداردی در خود جای می‌دهد. فیلم آقای فرهادی صرفا گیشه‌ای نیست.

جایگاه پردیس سینمایی کورش را چطور ارزیابی می‌کنید. با توجه به اینکه طی این سال‌ها در رتبه نخست بوده اما طی امسال و سال آینده، رقبای بزرگی برای این پردیس، قدعلم می‌کنند که سالن‌های بیشتری از کورش دارند.

کورش همچنان اول و روی قله است ولیکن با وجود آن رقبا، ان‌شاءالله همچنان اول می‌ایستد. ما اینقدر سینما و سالن کم داریم و اینقدر ظرفیت‌های ما بالاست که هر چه سالن بسازیم باز هم کم است. وقتی وضعیت اقتصادی بد باشد، سینما بهتر کار می‌کند، پربارتر می‌شود به‌دلیل اینکه اقتصاد خیلی ارزانی است. ان‌شاءالله که در اوج می‌مانیم. سینمای ایران هست، سالن هست و کورش هم خواهد بود.

شما، موانع صنعتی شدن سینمای ایران را در چه مواردی می‌بینید؟

اصلی‌ترینش باور نداشتن خود ما و همین کمپانی نبودن ماست. ما اگر می‌خواهیم یک صنعت واقعی باشیم، اول باید کمپانی شویم. یعنی باید یک آدم‌هایی وارد سینما شوند که نگاه اقتصادی به سینما داشته باشند. بدانند تولید و پخش و سالن چیست و اینها را با هم داشته باشند و از ظرفیت‌های ارزش افزوده‌ای که سینما به‌وجود می‌آورد مثل اسپانسر، همان‌طور که دنیا دارد استفاده می‌کند، استفاده کنند و سینما را از دولتی بودن خارج و آن را به خودش واگذار کنند. اگر ما سینما را به بخش خصوصی واگذار کنیم و سر به سرش نگذاریم و سیاسی‌اش نکنیم، می‌تواند صنعتی شود.